



وصیت نامه داریوش کبیر

اینک که من از دنیا می روم، بیست و پنج کشور جز امپراتوری ایران است و در تمامی این کشورها پول ایران رواج دارد و ایرانیان در آن کشورها دارای احترام هستند و مردم آن کشورها نیز در ایران دارای احترامند، جانشین من خشایارشا باید مثل من در حفظ این کشورها کوشا باشد و راه نگهداری این کشورها این است که در امور داخلی آن ها مداخله نکند و مذهب و شعائر آنان را محترم شمرد.

اکنون که من از این دنیا می روم تو دوازده کرور دریک زر در خزانه داری و این زر یکی از ارکان قدرت تو می باشد، زیرا قدرت پادشاه فقط به شمشیر نیست بلکه به ثروت نیز هست. البته به خاطر داشته باش تو باید به این خزانه بیفزایی نه این که از آن بکاهی، من نمی گویم که در مواقع ضروری از آن برداشت نکن، زیرا قاعده این زر در خزانه آن است که هنگام ضرورت از آن برداشت کنند، اما در اولین فرصت آن چه برداشتی به خزانه برگردان.

ده سال است که من مشغول ساختن انبارهای غله در نقاط مختلف کشور هستم و من روش ساختن این انبارها را که از سنگ ساخته می شود و به شکل استوانه هست در مصر آموختم و چون انبارها پیوسته تخلیه می شود حشرات در آن به وجود نمی آید و غله در این انبارها چندین سال می ماند بدون این که فاسد شود و تو باید بعد از من به ساختن انبارهای غله ادامه بدهی تا این که همواره آذوقه دو یاسه سال کشور در آن انبارها موجود باشد و هر سال بعد از این که غله جدید بدست آمد از غله موجود در انبارها برای تامین کسری خوار و بار

استفاده کن و غله جدید را بعد از این که بوجاری شد به انبار منتقل نما و به این ترتیب تو برای آذوقه در این مملکت دغدغه نخواهی داشت ولو دو یا سه سال پیاپی خشک سالی شود.

هرگز دوستان و ندیمان خود را به کارهای مملکتی نگمار و برای آنها همان مزیت دوست بودن با تو کافیست، چون اگر دوستان و ندیمان خود را به کارهای مملکتی بگماری و آنان به مردم ظلم کنند و استفاده نا مشروع نمایند نخواهی توانست آنها را مجازات کنی چون با تو دوست اند و تو ناچاری رعایت دوستی نمایی.

کانالی که من می خواستم بین رود نیل و دریای سرخ به وجود آورم (کانال سوئز) به اتمام نرسید و تمام کردن این کانال از نظر بازرگانی و جنگی خیلی اهمیت دارد، تو باید آن کانال را به اتمام رسانی و عوارض عبور کشتی ها از آن کانال نباید آن قدر سنگین باشد که ناخدایان کشتی ها ترجیح بدهند که از آن عبور نکنند.

اکنون من سپاهی به طرف مصر فرستادم تا این که در این قلمرو ، نظم و امنیت برقرار کند، ولی فرصت نکردم سپاهی به طرف یونان بفرستم و تو باید این کار را به انجام برسانی، با یک ارتش قدرتمند به یونان حمله کن و به یونانیان بفهمان که پادشاه ایران قادر است مرتکبین فجایع را تنبیه کند.

توصیه دیگر من به تو این است که هرگز دروغگو و متملق را به خود راه نده، چون هر دوی آنها آفت سلطنت اند و بدون ترحم دروغگو را از خود بران. هرگز عمال دیوان را بر مردم مسلط مکن و برای این که عمال دیوان بر مردم مسلط نشوند، قانون مالیات را وضع کردم که تماس عمال دیوان با مردم را خیلی کم کرده است و اگر این قانون را حفظ نمایی عمال حکومت زیاد با مردم تماس نخواهند داشت .

افسران و سربازان ارتش را راضی نگاه دار و با آنها بدرفتاری نکن، اگر با آنها بد رفتاری نمایی آن ها نخواهند توانست مقابله به مثل کنند ، اما در میدان جنگ تلافی خواهند کرد ولو به قیمت کشته شدن خودشان باشد و تلافی آن ها این طور خواهد بود که دست روی دست می گذارند و تسلیم می شوند تا این که وسیله شکست خوردن تو را فراهم کنند .

امر آموزش را که من شروع کردم ادامه بده و بگذار اتباع تو بتوانند بخوانند و بنویسند تا این که فهم و عقل آنها بیشتر شود و هر چه فهم و عقل آنها بیشتر شود تو با اطمینان بیشتری حکومت خواهی کرد.

همواره حامی کیش یزدان پرستی باش، اما هیچ قومی را مجبور نکن که از کیش تو پیروی نماید و پیوسته و همیشه به خاطر داشته باش که هر کسی باید آزاد باشد تا از هر کیشی که میل دارد پیروی کند .

بعد از این که من زندگی را بدرود گفتم ، بدن من را بشوی و آنگاه کفنی را که من خود فراهم کردم بر من بپیچان و در تابوت سنگی قرار بده و در قبر بگذار ، اما قبرم را مسدود مکن تا هر زمانی که می توانی وارد قبر بشوی و تابوت سنگی من را آنجا ببینی و بفهمی که من پدرت پادشاهی مقتدر بودم و بر بیست و پنج کشور سلطنت می کردم مردم و تو نیز خواهید مرد زیرا که سرنوشت آدمی این است که بمیرد، خواه پادشاه بیست و پنج کشور باشد ، خواه يك خارکن و هیچ کس در این جهان باقی نخواهد ماند، اگر تو هر زمان که فرصت بدست می آوری وارد قبر من بشوی و تابوت مرا ببینی، غرور و خودخواهی بر تو غلبه نخواهد کرد، اما وقتی مرگ خود را نزدیک دیدی، بگو قبر مرا مسدود کنند و وصیت کن که پسر ت تو را باز نگه دارد تا این که بتواند تابوت حاوی جسدت را ببیند.

زنهار، زنهار، هرگز خودت هم مدعی و هم قاضی نشو، اگر از کسی ادعایی داری موافقت کن يك قاضی بی طرف آن ادعا را مورد رسیدگی قرار دهد و رای صادر کند، زیرا کسی که مدعیست اگر قضاوت کند ظلم خواهد کرد.

هرگز از آباد کردن دست بردار زیرا که اگر از آبادکردن دست برداری کشور تو رو به ویرانی خواهد گذاشت، زیرا قائده اینست که وقتی کشوری آباد نمی شود به طرف ویرانی می رود، در آباد کردن ، حفر قنات ، احداث جاده و شهرسازی را در درجه اول قرار بده .

عفو و دوستی را فراموش مکن و بدان بعد از عدالت برجسته ترین صفت پادشاهان عفو است و سخاوت، ولی عفو باید فقط موقعی باشد که کسی نسبت به تو خطایی کرده باشد و اگر به دیگری خطایی کرده باشد و تو عفو کنی ظلم کرده ای زیرا حق دیگری را پایمال نموده ای .

بیش از این چیزی نمی گویم، این اظهارات را با حضور کسانی که غیر از تو اینجا حاضرند کردم تا این که بدانند قبل از مرگ من این توصیه ها را کرده ام و اینک بروید و مرا تنها بگذارید زیرا احساس می کنم مرگم نزدیک شده است .